



روزنامه یو میده عصر (شنبه)

صاحب انتشار و مدیر: «ع. سودی»

محل اداره: خیابان لاهه زاد کوچه برلن

(نمره تلفن ۴۴۴)

عصر (شنبه)

۱ خردادماه ۱۳۱۰ - هجری الحرام ۱۳۵۰

۱۹۴۱ ۱۹۴۲

تک شماره ۵ شاهی

قیمت اعلانات

قیمت اشتراک: یکساله ششماهه سه ماهه

در طهران و ولایات: ۱۰۰۰ ریال

مالک خارجه: ۲ لیره ایله ۱۰۰۰

ستحصال: سطحی ۳ ریال

۱ ۴ ۳ ۲ ۱

قرارداد بین المللی

رایج پیرب نسوان و کودکان

قرارداد بین المللی راجع بجلوگیری

از خرد و فروش سفید پستان که در تاریخ

۱۹۱۰ مه ۱۹۱۰ در پاریس با مقام ریاست و در

جله گذشتند قدمی مجلس شورای ملی هم شده

ذیلا درج میگردد:

ماده اول - هر کسی برای انجام هوا و

هوس دیگری زنی را ولو با رضایت خودش

باشد یا دختر صیری را برای سبق و فیمور

ایبر و جلب و باز راه علت منحرف سازد

ولو اینکه عملیات مختلفه که مبنی جرم محسوب

میشود در مالک مختلفه صورت گرفته باشد باید

مجازات شود

ماده ۲ - همچنین هر کسی برای انجام

هوای خوش دیگری بواسطه فرب و یا بوسیله زور

و تهدید وسوع استعمال سلطه و بازگونه وسائل

جبهه زن و باختیار کثیری را برای سبق و فیمور

ایبر و جلب و باز راه علت منحر ف سازد

ولو اینکه میانی جرم در مالک مختلفه صورت

گرفته باشد باید مجازات شود

ماده ۳ - دول متفاهم که فوایشان غلبه ای

جلوگیری از جرم های مندرجه در دو ماده فوق

کافی نمی باشد متمدید میشوند که خود تا این لازمه

اتخاذ نموده و اتخاذ تا این لازمه، ابری ایکده آن جرمها

نسبت به همیشگان مجازات شود

ماده ۴ - دول متفاهم که مجازات شوند

جمهوری فرانسه دعاوی در محکم

ذیل حاضر است

۱ - محکم صلح - بدایت - استیاف

دیوان عالی تمیز - دیوان عالی جنایی - دیوان

جزا - محکمات مالیه

۲ - وکات ثبت املاک - ثبت علامات

خرکها و غیره

۳ - نایاندگی برای اخذ امتیازات از

طرف اتباع اخلاق و خارج

۴ - نایاندگی برای تسویه امور ادعا

در اذارات دولتی و غیر دولتی

۵ - معاشره حقوقی و جرائی

در حق العمل و حق الوکال

اشخاص بی ضعف تخلفات از این رعایت میشود

آدرس دفتردار الوکاله

خیابان یهودی جنب کوچه اخباری

نمره اعلان ۲۸۴

گردید

در مواردی که مقررات فوق بدون تغیر

قواین موجوده نمیتوان ترتیب از داد دول متمدید

میشوند تا این لازمه را اتخاذ نموده و با مقامات

ملکه مالک خود اتخاذ تا این لازمه، ایشنهاد

نمایند

ماده ۶ - رجوعات از یک محکمکه بمحکمه

دیگر - Commission rogatoire

راجح جرم های مذکور در این فرادراد مطابق یکی

از طرق ذلیل صورت میگیرد

۱ - بوسیله تعاطی مستقیمین بین مقامات

قضایی

۲ - بوسیله مأمورین سیاسی و بالتسهی

ملکت تقاضا کنند. مقیم مملکتی که از آن

تقاضا بعمل می آید با مأمور مذکور ایجاد

مقامات قضایی صالحه فرستاده و از

مقامات مذکوره متفقی اسنا دی را که دال بر

اجرای ابلاغ مذکور است در یافت میدارد در

هر دو مورد سواد ایلاع مذکور همیشه به

مقامات عالیه مملکتی هم که از آن تقاضا به

عمل میباشد فرستاده می شود

۳ - از مجرای سیاسی

هر دولت متعاهدی طریق و یا طرقی را

که از بین طرق مذکوره فوق برای ابلاغ رجوعات

از محکمه مذکور انتخاب نموده است مایل

دول متعاهد اطلاع خواهد داد.

هر گونه مشکله که راجع بطرز ابلاغ

مورد ۱ و ۲ این ماده یعنی میباشد

حل و تسویه خواهد داد

ابلاغات مذکوره فوق در صورتی که

قرار مخالفتی در بین نیاپاده باشد یا بین دولتی

ماید که از آن تقاضا بعمل می آید بازیابی که

بین دو دولت مربوطه مذکوره دارای مملکتی که

ترجمه آن یکی از آن دوستان ضمیمه شده و

بتصدقی مأمور سیاسی یا گفولی مملکت تقاضا

کنند و یا یکی از مترجمین رسمن مملکتی که

از آن تقاضا بعمل میباشد

از بات اجرای ابلاغات مذکوره نمی

توان عوارض یا مخاطر جی به عنوانی باشد

مقامات نمود

ماده ۷ - دول تهدید میکند و مذکوره را

موضوع راجع بجهیزی پاشد که در این قرار داد

مذکور گردیده و مساوی آن در مالک

مخالفه ایجاد کردند

محله را میباشد

محله ایجاد کردند

بعضی

نیستند؟

والاتن - خودش است . در جنگ (سوم) باهم بودیم گوشیل هائیکه (ایلی) برایم فرستاده بود (گوئک) از ماموریت گرفته درباران علیک بما رساید و با هم خوردیم .

کوکوف - راست است . همینطور است . والاتن را یاد کارهای گذشته بپوش آورده و باز هم گفت : « حتی در مراجعت دست گوئک تیر خود و دستش را بریدند .

بیچاره سورجی بود و سورجی بی دست هم معلوم است کارش بکجا خواهد کشید .

خوب نو در اینستد کدام لاهه بودی ؟

کوکوف از جواب طفره رفته و گفت : « ملاقات ها خیلی باعث سرتم شد .

حال هریف چطور است ؟

والاتن از تعارفات رسمی و میزبانانه او دلخور شده گفت چطور این جملات حال عرف شما بین مادرم بود ؟ و نکاهی بسرا باید کوکوف افکند .

همینکه ایسهای هیک و سر و پوض ایانی اورا باریخت سربازی خودش مقابله کرد سورتش فرم شده همیم که تمار فات هن بور از کجا تراویش ییکند لذا ساقیهای بزبان رانه از جلو کوکوف رد شد .

از کدورت خاطر (والاتن) تالم هدم . شاید اولین دفعه ایست که او قصبه « تخته های » برخورد نموده زیرا قبل از این ملاقات هم در نظر او سریا بودند و حالا « تخته های » یکی ازانها ذهن ساده این جوان را متعشه ساخته و گیجش کرده است .

گفتم : والاتن و لش کن انتشار این تبیه بولی است که بدر شان جمع کرده است . چه باید کرد ؟ اور بدن هم امر و زجر هنر محض بیشود .

ویلی هم بامن هم عقیده بود ایشانه اینکه مقداری فحش های غلط و پهداد هم بقدمه مزبور چاشنی زد .

والاتن با حسرت گفت : « عجب احمدی بودم که او را هم جزء رفاقت محض بودم ام » ویک احسان تلخی در خاطر اش ریشه دواید .

جوش بختانه به (تیادن) برخوردیم . صورتش مثل کاشد .

بالک کنی تیر است .

ویلی بی اختیار گفت : « مرد که جنگ تمام شد باز هم دلت نیخواهد یکشتن آب سر و صورت بزنی ؟

تیادن - این روزها سرم شلوغ و گرفتاریهایم زیاد است ولی انشاء الله روز شنبه حمام رفته عیش کشی مفصلی خواهیم کرد حر ف تیادن باور کردندی نیست . او و حمام ! شاید خطب دماغی که در رام او اوت در فروت عارض شده بود دوباره ظهور کرد باشد ! ویلی گوش خود را دهن تیادن گذشتند و گفت : « ارباب حرمت را درست فهمیدم گفتن روز شنبه چه جای داری ؟ تیادن عنوانی خودداد و گفتند : « پسر مکار گوشت نمی شنود می گوییم روز شنبه حمام خواهم رفت و بشیش را باید در خدمت والدین نازد من شرف خواهیم بمنامیم »

ویلی مثل این که از دیدن سیمیرغ متوجه باشد نکاهی بسرا ایشان افکنه میس دستش را روی شاه او گذشتند با اعنین یاره بردند پرسید : « تیادن مگر خدای نیکرده آن صدھانی که ساقا در مفتر و گوشت پیدا شده و اذپت میکرده دوباره عودت کرده است ؟

تیادن طعمتش کردن که اخلاق حواس و مرض توی کاریست و آنرا فقط مرض گرسنگی باشی است و هنوز هم هر وقت گرسنگی پیشود مده اش آشی میگیرد . و اشنه کرد که دعوت بی شبه در منزل نازدش هم بیک قصبه جدی است ولی خاطر سرکار (ویلی) پیک قلم آسوده باید که نازدش خوشک نیست و هایسته حس سلیقه و نمایش و در عرض صاحب قلبی همراهان و از همه همتر پدرش قصاص است .

عجب بدرش قصاص است ! مطلب کاملای بیان شد . مقصود تیادن قامین شکم است زیرا روزگار سریاها سخت و باید خلی گذشت بکنند بلاماده د موقع قحط و غلا قصاص آخرین کسی است که از بادر میاید و گذشته از همه نازد وزن دو معنی دارند وین آنها اصله زیاد است .

انکیس و شوروی اظهار داشت ، هیچ دلیل ندارد که اجرای قرارداد تجاری خودی و اینکیس موقوف شود درمه ماهه اول سال ۱۹۳۱ مصادفات اجناس اینکیس باصحاد شوری و ۴۰۰۰۰۰ یوند نسبت بهمان مدت سال قبل زیاد شده اگر دولت روابط خود را تاحد خود وی قطع کند و ضعف اینکیس درهیچ قطعه از عالم که در آن جا اینکیس شاهی ایشان را خود خواهد داد

کمسیون اروپا

ژنو - کمسیون اروپا سو کسونی شکل داده تاجران تهیه بینشادهات عملی را که بر اثر تکه های پیشنهادی در واب تحفیظ بحران تدوین میگردد مین کند سو کسیون مزبور مرکب از نمایندگان آنان و اتحاد خوری و اطربی و بیزیک و ایطالیا و لهستان و رومانی و سوئد و سویسی تشكیل یافته است

اتحاد شوروی و فرانلند

ژنو - کسکن وزیر امور خارجه فلاندان باینینون ملاقات کرد

کنفرانس راه آهن شوروی و ترک آفریق - کارهای کنفرانس نایاندگان طرق آن شوروی و ترک برای تابیس رابطه مستقیم بین اتحاد شوروی و ترکیه با موقوفیت جریان دارد در عده است

تجارت شوروی و لتوانی ریکا - بارلماں تونی قانونی راجع به شمات سادرات تونی با تحد شوروی از طرف دولت تصویب کرده است

مسئله شناختن اتحاد شوروی در مجلس سنای جلک و سلواک برآک - در گمیون سنای جلک و سلواک

برانر نقط اخیر بیش وزیر امور خارجه در

ب اتحاد کرکی اطربی و آلمان میاحتان

باقلم ۱ - رمانک توپنده آنماي ۳۶ - رشت ترجیمه مص. مظفرزاده

لیدر گوز برای اینکه از جواب سوال اخیر والاتن طفره بزند گفت : « جطور ؟

والاتن - خوب به دیگر ! حالا ارباب فراموش خاطرهم شریف

دارند . مگر یاد نیست که در فروت غالبا از لاغری زن شکایت داشتند و نسبت به زن های بروایجه از ارادت خاصی شان می دادند ؟

لیدر گوز سری جنبانه و گفت : « این لاطیلات هیچ نظرم نیست و زد بچک .

والاتن خنبد و گفت : « اسان به زود تغیر میکند . اور در

فروت خضر از قدر و دست واشکته بود و حالا بی یوزجی و کاری بخود گرفته است .

یادت هست چه داستانها و قصه های مستهجنی برای ما نقل می کرد و لی حالا ماعمالله ماعمالله جای نه از آب می کشد قول می کند . اور ده

دهم عنقریب همین جناب شمع جمع مقدسین یا رؤس اتحادیه ترکیه می رود . اقلای این یکی تکیه خوده را فهمید !

هیچین طور راه می روم . « موچ میزند و سگم توی می بازی میکند . قایه هایی از جلو ما رد میشوند . غفلتی در روشنگی سفید رنگ کلاهی از چرم برقی فرم نظر مرآ جلب کرده و درزیز کلام صورت آشنازی که م در اطراف یک جفت چشمان گیرنده آن ها لفکند .

ضریبان قلیم شدت کرده و خاطراتی که در ضیرم بی هوش شده بود بقوت هر چه تمام تر جان گرفتند . این دختر (آول)

بود ، افکارم هوا میانزده سالگی فرو رفت . عصر ها اطراف مردمه دختر ها کشیک کشیده و ماضی خود و لجه خجل و لجه خوشی دنالشان افاده و بدون اینکه جرئت تکمیل داشته باشند می بازد رو به ترقی های افکند .

ضریبان قلیم شدت کرده و خاطراتی که در ضیرم بی هوش

شده بود از قطعه بین این چشم برقی فرم را تعاقب کرده مانند ایام صباوت و قبل از قب

باو رسیده صدا زدم : « آول » او دعوا اطرافش را پاییمه میس گفت :

« از نت بر گشته ؟ » پیلو بیهوده امیریروه .

هیچین طور راه می روم . « یک کسی را پاید بینم الان برمی گردم و ولف دور ما

چرخ زده و یارس میکند . صدای تراومه بگوش میرسد . در اینچه تمام موجودات در ظهر شیرین و قابل دوستی است . احساسات جوانیم آنها مواجه گویی و لرزان از دور نمودار نهاده و فاصله میانها مرتفع میشود . گذشته ما ندق کمان یافوه و فرح با هلال نورانی از خلال مه خلیط در افق زندگانی هویدن میشود .

نمیتوانم بگویم با (آول) از چه مقوله صحبت میکردم همینقدر

کافی بود بیهوده همدا رفته مواقف و بیگانگی قدمیم - آن اتفاق آنکه

نمیتوانم چند مدت باهم راه رفته ؟

(آول) جدا حافظه گفته و رفت و من دون دوان رگشته .

شمع مانند برق نزدیکی که برگاهی مغلظه ملون شده باشد در قلم

موچ میزند و در قب آن سیاه ایم - رضایت و خورسندی - اطاق

کوچک . عهد صیانت - نایستان - بر جهای سیز و ساخت بی یابان

فضا

« (ویلی) برخورد متفقا بجستجوی (والاتن) شناقیم .

دیدیم (والاتن) جلویی که را گرفته باعث میگردید همینقدر

(آول) در صورت این متفاقه و بیان شد که در طرف دشمن

شمع مانند برق نزدیکی که برگاهی مغلظه ملون شده باشد در قلم

کوچک . در عین حال نایستان - زیارت و تولید و اتاج

بوده ، و در عین حالیکه میصول غله از

بیانه سیز و ساخته ایشان را از خود میگردید .

حیوان علاوه گرفته و می خوردند .

حیوانی هیچ نفاوتی ندارد .

علل بحران عمومی دنیا

کسپون اقتصادی جامه ملل را بورتی

راجع بوضعیت فلاحتی دنیا تدوین کرده است

سایر غذا هارا مرتفع کرده اند و بر اثر این میکنند

خواهد دارد بتصدق خواهد رسید و اسناد مصدق

آن همینکه بیش دولت معاشر اینها میگردند .

و ادانته باشند در پاریس تسلیم خواهد گردید .

از هر چند این متفاقه میگردند از میان اینها میگردند

باید اینها میگردند از میان اینها میگردند

در اینجا میگردند از میان اینها میگردند

از اینها میگردند از میان اینها میگردند

